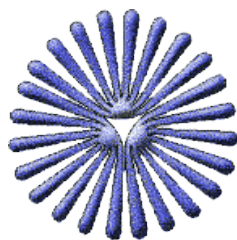


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور واحد پرند

موضوع:

تحقیق در مورد روانکاوی

درس: نظریه های مشاوره و روان درمانی

استاد:

دانشجو:

شماره دانشجویی

روانکاوی چیست ؟

هنگامی که مردم می پرسند که روانکاوی چیست معمولاً راجع به درمان می خواهند بدانند. بعنوان یک درمان، روانکاوی براساس این مشاهده پایگذاری شده است که افراد اغلب در مورد خیلی از عواملی که احساسات و رفتارهای آنها را تعیین می کنند آگاه نیستند. این عوامل ناخودآگاه که می توانند باعث خوشحال نبودن بشوند گاه به صورت علائم قابل مشاهده، ویژگی های شخصیتی دردرساز، مشکلات در کار کردن و ارتباطات عاطفی نزدیک، یا اختلال در خلق و عزت نفس بروز می کنند. چون این نیروها ناخودآگاه هستند، نصیحت دوستان و خانواده، مطالعه کتاب های خودآموز، یا حتی تلاش و تقویت اراده برای ایجاد آسودگی اغلب بی ثمر هستند. درمان تحلیلی نشان می دهد که این عوامل ناخودآگاه چگونه روی رابطه ها و الگوهای رفتاری فرد تاثیر می گذارند، آنها را ریشه یابی تاریخی می کند، نشان می دهد که آنها چگونه در طول زمان تغییر و تحول یافته اند، و به فرد کمک می کند که چگونه با واقعیت های زندگی بالغانه بهتر کنار بیاید و ساختارهای روانی نوینی را در خود ایجاد کند.

روانکاوی یک مشارکت صمیمی است که در طول آن بیمار به منابع زیرین بوجود آورنده مشکلات نه تنها به صورت ذهنی بلکه احساسی - توسط دوباره تجربه کردن آنها با روانکاو - پی می برد. بطور معمول، بیمار ۴ یا ۵ بار در هفته مراجعه کرده، روی تخت روانکاوی دراز می کشد، و سعی می کند هر آنچه که به فکرش می رسد را در میان بگذارد. این شرایط جو تحلیلی ای را می سازند که اجازه به بروز بخش هایی از ذهن را می دهد که با روش های مشاهده ای دیگر قابل دسترس نیستند.

در حین صحبت‌های بیمار، اشاره‌هایی از منابع ناخودآگاه ناراحتی‌های او توسط الگوی رفتاری تکراری خاص، مطالبی که بیمار به سختی راجع به آنها حرف می‌زند، و رابطه‌ای که بیمار با روانکاو برقرار می‌کند تدریجاً ظاهر می‌کنند. روانکاو برای بیشتر روشن شدن این منابع به بیمار کمک می‌کند و بیمار آنچه روانکاو می‌گوید را دقیق‌تر کرده، تصحیح می‌کند، رد می‌کند و به آن احساسات و افکار خود را اضافه می‌کند. در طول سالهایی که روانکاو ادامه دارد، بیمار با این بینش‌ها و تجربیات کشتی می‌گیرد، با روانکاو آنها را دوباره و دوباره مرور می‌کند، و آنها را در زندگی روزمره، تصورات و خواب‌های خود تجربه می‌کند. بیمار و روانکاو دست به دست هم می‌دهند تا نه تنها الگوهای فلج‌کننده زندگی را تغییر دهند و علائم ناتوان‌کننده را از میان ببرند بلکه رهایی برای کار کردن و دوست داشتن را نیز توسعه دهند. در انتهای درمان، زندگی بیمار در رفتار، ارتباطات، و حسی که از خود دارد تغییر عمیق و پایداری خواهد داشت.

آیا روانکاو فقط یک نوع درمان است؟ گرچه روانکاو در ابتدا به عنوان ابزاری برای بهبودی بخشیدن به رنج عاطفی آغاز گردید ولی فقط یک درمان نیست. علاوه بر آن، روشی برای فهمیدن ذهن و تئوری‌ای نیز برای درک فرآیندهای علمکردهای طبیعی ذهنی روزمره و مراحل طبیعی رشدی از نوزادی تا کهولت است. مضافاً چون روانکاو تلاش می‌کند که نحوه عملکرد ذهن انسان را توضیح دهد، به هر آنچه که ذهن بشر تولید می‌کند بینش می‌افزاید. در نتیجه نفوذ به سزایی در مورد خیلی از جوانب فرهنگی قرن بیستم داشته است.

به عنوان یک تئوری کلی راجع به رفتار و تجربه انسانها، نظریات روانکاوی توسط تحقیق در علوم زیستی و اجتماعی، رفتار گروهی، تاریخ، فلسفه، هنر، و ادبیات غنی می‌شود و غنی می‌سازد. به عنوان یک تئوری رشدی، روانکاوی به روانشناسی کودک، آموزش، قانون، و مطالعات خانواده کمک می‌کند. توسط ارزیابی رابطه پیچیده بین تن و روان، روانکاوی به درک بیشتر ما از نقش احساسات در سلامتی و همچنین ایجاد بیماریهای پزشکی کمک می‌کند.

به علاوه، دانش روانکاوی پایه تمام رویکردهای پویا برای درمان است. بینش‌های روانکاوی زیرسازهای خیلی از رواندرمانی‌هایی که در روانپزشکی عمومی، روانپزشکی کودکان، و اغلب درمان‌های فردی، خانوادگی و گروهی استفاده می‌شوند، با وجود تمام تغییراتی که لحاظ شده است، را تشکیل می‌دهند.

کلمات کلیدی : روان کاوی، تداعی آزاد، ناهشیار جمعی، ناخودآگاه، روان پریشی، مکاتب روان شناسی، روان شناسی عمومی

نظریه روان‌کاوی درباره رفتار انسان را زیگموند فروید (Sigmund Freud)) در اروپا تقریباً یک قرن پیش، زمانی وضع کرد که در ایالات متحده رفتارگرایی در حال شکل‌گیری بود. نظریه روان‌کاوی فروید از برخی جهات، آمیزه‌ای از گونه‌های قرن نوزدهمی علوم شناختی و فیزیولوژی است..

برای عامه مردم، روان‌کاوی روشی است برای درمان اختلالات روانی و روان‌پریشی. [۲] تا حدود ۱۹۵۰، روان‌شناسان و روان‌پزشکان ادعاهای روان‌کاوان را در مورد این که قادرند بیماران را با

موفقیت درمان کنند پذیرفته بودند. اما این وضعیت زمانی تغییر کرد که تعدادی از منتقدان به بررسی شواهد موجود برای اثبات کارایی روان‌کاوی پرداختند..

بنابر اعتقاد رایج، روان‌کاوی دارای سه وجه است. در وجه اول، نظریه کلی روان‌شناسی مطرح است که می‌کوشد تا به پرسش‌هایی درباره انگیزش، شخصیت، رشد دوران کودکی، حافظه و دیگر زوایای مهم رفتار انسان پاسخ بگوید. در وجه دوم، گفته می‌شود که روان‌کاوی یک شیوه معالجه و درمان است. در واقع روان‌کاوی از همین طریق به وجود آمد، یعنی هنگامی که فروید با دوست خود جوزف بروئر (Josef Breuer)، برای درمان بیماری به نام آن‌او (Anna O) که ظاهراً هیستریک (hysterical) بود، همکاری می‌کرد. آنچه در وجه سوم مطرح می‌شود این است که روان‌کاوی را می‌توان روشی برای کندوکاو و پژوهش دانست. خود فروید، به این باور رسید که نام او بیشتر به عنوان پایه‌گذار یک روش تحقیق در زمینه فرایندهای ذهنی در یادها خواهد ماند تا به عنوان یک درمان‌گر بزرگ.

روش تحقیق فروید، تداعی آزاد (Free association) است. [۴] این متد، متد اصلی روان‌کاوی در زنده کردن خاطرات و ارتباط آن‌ها با موارد واپس‌زده شده و عقده‌های روانی موجود در ناخودآگاه است. در این روش، بیمار هر آنچه به ذهنش می‌رسد را باید بدون سانسور به روان‌کاو بگوید..

روانشناسی عرضه شده به وسیله فروید اغلب به یک نظام هیدرولیک تشبیه شده است که انرژی را از یک قسمت روان به قسمت دیگر برمی‌گرداند، چنان که دستگاه‌های هیدرولیک، انرژی آب را به انرژی‌های دیگر تبدیل می‌کند. فروید معتقد بود که، وقتی یک اندیشه و تصور مستعد بالا بودن سطح انگیزش دستگاه عصبی در حدی بالاتر از میزان تحمل آن باشد، این انرژی به ترتیبی توزیع مجدد می‌شود که عناصر تهدید کننده نتوانند وارد سطح خودآگاه (Conscious) شوند و در ناخودآگاه (unconscious) باقی بمانند.

در نظام روان‌کاوی فروید، اعتقاد بر این است که کل نظام روانی می‌کوشد تا با دفاع از خود، به طرق مختلف، تعادل خود را در برابر این توزیع انرژی و تهدیدهایی که از درون و بیرون ایجاد می‌شود، حفظ کند.

این مکانیسم‌های دفاعی که هر فرد در موقعیت‌های مختلف به طور ناخودآگاه از آنها استفاده می‌کند و نام هر یک تقریباً بیان‌گر محتوای آنهاست، عبارتند از؛ والایش (Sublimation)، فرافکنی (Projection)، دلیل تراشی (Rationalization)، و غیره..

روانشناسی فرویدی، همچنین مراحل معینی را فرض می‌کند که طی آنها کودک رشد خود را به سوی بلوغ طی می‌کند. اگر این رشد، به نحو مطلوب و مناسبی صورت نگیرد، در آن صورت شخص در بزرگسالی احتمالاً رفتارهای روان‌پریشانه خواهد داشت..

مکتب روان‌کاوی، مخصوصاً روان‌کاوی فرویدی، از جهات فراوان با سایر مکاتب روان‌شناسی تفاوت دارد. این مکتب از خارج از حوزه دانشگاهی و علمی روان‌شناسی سرچشمه گرفته است و در آغاز

همان‌طور که گفته شد به عنوان روشی از درمان مورد حمایت قرار گرفته و ترویج یافته است. این مکتب، تمامی روان‌شناسی را در برنمی‌گیرد بلکه تنها حوزه‌های خاصی از قبیل انگیزش و شخصیت را شامل می‌شود و نقطه شروع آن یافته‌های آزمایشی نبوده بلکه مشاهدات بالینی بوده است..

بعد از فروید، دانشمندان و محققان پس از بررسی نارسایی‌های تئوری‌های او در زمینه روان‌کاوی کوشیدند که دوران طولانی درمان را کوتاه‌تر کنند و با آزمایشات فراوان دریافته‌اند این کار عملی است. اینان متوجه شدند که راز و رمز بسیاری در دنیای روان‌کاوی وجود دارد که فروید از آن‌ها بی‌خبر بوده یا فرصت پژوهش درباره آن‌ها را نیافته است. پیش‌تازان این گام بزرگ یعنی کوشش برای تغییر بنیادی روان‌کاوی، عبارت بودند از؛ کارل گوستاو یونگ (Carl Gustave Jung) از شاگردان فروید، آلفرد آدلر (Alfred Adler) و عده‌ای دیگر. این دانشمندان پس از تحقیقات فراوان دریافته‌اند که فروید در تدوین روان‌کاوی دقیقاً ذوق و سلیقه شخصی خویش را که قدرت‌گرایی از بارزترین خصوصیاتش بود پیاده کرده است..

در حال حاضر، چندین مکتب و روش روان‌کاوی وجود دارد که شیوه اجرای هر یک از آن‌ها با دیگری تفاوت کامل دارد، که می‌توان از مکتب یونگ (Jungian)، مکتب فروید reudian و حتی مکتب آدلر (Adler) نام برد..

یونگ در اولین مرحله از فعالیت‌های علمی و قبل از پیوستن به فروید تحقیقاتی را آغاز کرده بود که به تهیه آزمون تداعی کلمات انجامید. یونگ این آزمون را در تشخیص عقده‌های روانی مفید

می‌دانست. اختصاصی‌ترین مفهوم در نظام روان‌کاوی یونگ، تصور او از ناخودآگاه جمعی است. یونگ نیز همچون فروید معتقد بود که مبنای انگیزش آدمی در ناخودآگاه است. اما در مخالفت با فروید، او این مبنا را دارای دو لایه یا سطح می‌دانست. بر طبق نظر او، در هر انسان علاوه بر ناخودآگاه فردی که سرکوبی شخصی را شامل می‌شود، نوعی ناخودآگاه گروهی نیز وجود دارد که عبارت است از ناخودآگاهی که یک گروه یا کل یک نژاد در آن سهیم‌اند.

یونگ در مکتب روان‌کاوی خود برای اشاره به ذهن، اصطلاح روان (psyche) را به کار می‌برد و معتقد بود روان از سه سطح هشیار، ناهشیار شخصی و ناهشیار جمعی تشکیل شده است.

آلفرد آدلر نیز نظام روان‌کاوی خاص خود را ایجاد کرد که از چند جهت تضادی آشکار با نظریات یونگ و فروید دارد. آدلر اهمیتی برای امور جنسی در پویایی شخصیت قایل نبود. زیربنای نظام روان‌کاوی آدلر این اعتقاد را شکل می‌دهد که همه پدیده‌های روانی از نیروی خلاقه خاص فرد سرچشمه می‌گیرند و تجلیات شخصیت او به شمار می‌روند. این نیروی خلاقه در انسان ناشی از احساس حقارت او است. احساس حقارت، یک نیروی برانگیزنده برای رفتار است. این احساس، منبع تلاش انسان‌هاست و همه پیشرفت‌ها، رشد و ترقی افراد در نتیجه جبران احساس حقارت خویش است.

دیدگاه‌های نظری آدلر و فروید به طور کامل با هم تفاوت داشتند. در حالی که فروید گذشته را به عنوان عامل موثر در رفتار مورد تاکید قرار می‌داد، جهت‌گیری آدلر به سوی آینده بود. تقسیم

شخصیت نیز به بخش‌های جداگانه (نهاد، من و فرامن) ویژگی اصلی نظریه فروید است. اما رویکرد آدلر بر یگانگی شخصیت تاکید دارد.

اتو رانک (Otto Rank) از جمله اعضای اولیه جنبش روان‌کاوی بود. نوآوری رانک، در روان‌کاوی مفهوم "ضربه تولد" بود که عبارت است از پیامدهای روانی جدایی کودک از رحم مادر. رانک، تعبیر خود را از اضطراب بر این مفهوم مبتنی کرده است

کارن هورنای (Karen Horney) نیز از جمله نوفریدی‌ها می‌باشد که بر خلاف فروید که غرایز زندگی و مرگ را نیروی برانگیزاننده اصلی می‌دانست، کودک درمانده را که در دنیایی خصومت‌گر و تهدید کننده در جستجوی امنیت خاطر است مورد توجه قرار داد و معتقد بود شخصیت می‌تواند در سراسر عمر تغییر یابد، بر خلاف فروید که معتقد بود شخصیت در سال‌های اولیه عمر شکل می‌گیرد.

منابع:

1. اتکینسون، ریتال.ال؛ زمینه روان‌شناسی هیلگارد، حسن رفیعی، تهران، ارجمند، ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۲۱.
2. ایسنک، هانس؛ افول امپراطوری فروید، یوسف کریمی، تهران، سمت، ص ۴۷.
3. همان، ص ۷۶.
4. همان، ص ۱۴.
5. فروید، زیگموند؛ پنج گفتار در بیان روان‌کاوی، فرشاد امانی نیا، قم، نقش خورشید، ۱۳۸۱، ص ۸۱.
6. افول امپراطوری فروید، ص ۱۵.
7. همان، ص ۱۶.
8. میزیاک، هنریک؛ تاریخچه و مکاتب روان‌شناسی، احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶، چاپ دوم، ص ۵۹۳.
9. فروید، زیگموند؛ مفهوم ساده روان‌کاوی، فرید جواهرکلام، تهران، مروارید، ۱۳۶۸، چاپ پنجم، ص ۹.
10. ص ۱۳.